

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره ۱۲ صفحه ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۳ • ۲۴ صفر ۱۴۴۶ • ۲۹ آگوست ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۱۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۸:۵۴ • اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۳۵

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1



تور عکاسی منطقه ۱۲ تهران، ملقب به قلب طهران، صبح سه‌شنبه به مناسبت روز جهانی عکاس، با بازدید از خانه دبیرالملک، عمارت کاظمی، مجموعه ورزشی در حال ساخت در محله امامزاده یحیی(ع)، باغ عمارت کیهانی و عمارت گلانو نو برگزار شد. عکس: محمدحسین محمدی‌نژاد، تسنیم

۳ درخواست از وزیر دادگستری دولت پزشکیان



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

احمد وزیر شد و تلفن کرد که می‌خواهم به دیدنتان بیایم و آقای جلالی گفتند: «نه، اجازه بدهید من می‌آیم». از این تاریخ دیگر رئیس کانون به دیدن وزیر می‌رفت». از جناب رحیمی درخواست می‌شود برای جلب پشتیبانی جامعه وکالت از برنامه‌های خود و همچنین ایجاد دورانی نو در تعامل وکلای دادگستری و قوه قضائیه، این سنت پسندیده را که احترام به نهادهای مردمی حقوقی کشور است، احیا کرده و به دفتر اتحادیه کانون‌های وکلا یا کانون وکلای دادگستری مرکز که قدیمی‌ترین تشکیلات وکالتی بوده و در پایتخت قرار دارد، تشریف بیاورند.

سوم، اجرا یا اصلاح قانون پذیرش وکالت توسط اصحاب دعوی: اصل سسی‌وپنجم قانون اساسی انتخاب وکیل برای همه طرف‌های دعوا را به‌عنوان یک حق شهروندی به رسمیت می‌شناسد و حتی دولت را مکلف کرده برای کسانی که توانایی انتخاب وکیل ندارند، امکانات تعیین وکیل را فراهم کند.

متأسفانه قوانین و مقررات مربوط به وکالت بسیار پراکنده بوده و این خود موجب سردگمی وکلا و قضات دادگستری است؛ تا جایی که در اواخر دهه ۶۰ خورشیدی، اصل پذیرش وکیل در برخی محاکم مورد تردید قرار گرفته بود و منجر به تصویب قانون «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» به تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۶۹ در مجلس شورای اسلامی شد که به دلیل ایرادهای شورای نگهبان،

در نظام اداری ایران چند مقام هستند که با تعامل دو شخص انتخاب می‌شوند؛ برای نمونه در «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» (۲ دی ۱۳۶۳) رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شده اما نیاز به اذن ولی قفیه برای تصدی در امور وقف دارد. همچنین است در مورد وزیر دادگستری که طبق اصل صدو‌صصتم قانون اساسی، از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شود. این مقام اختیاراتی درخصوص کانون‌های وکلای دادگستری نیز دارد. در شروع به کار جناب امین‌حسین رحیمی، امید می‌رود در دوران جدید و در حد مقدرات، دوران تازه‌ای را برای دادگستری رقم بزنند. در ادامه برای بهبود شرایط در جامعه وکالت، سه مطلب پیشنهاد می‌شود.

اول، تعامل در برگزاری انتخابات اتحادیه و کانون‌های وکلای دادگستری: اگرچه انتخابات کانون وکلای دادگستری موضوعی درون‌صنفی بوده و از هفتم اسفند سال ۱۳۳۱ با تصویب «لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» و سپس تبدیل این مصوبه به «قانون استقلال کانون وکلای دادگستری» در تاریخ پنجم اسفند ۱۳۳۳ (در ماده ۲۴ این قانون، «لایحه قانونی استقلال کانون وکلا» به‌صراحت نسخ شده است) همه فرایند انتخابات درون کانون برگزار می‌شد، ولی به تصویب «قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت» در ۱۷ فروردین ۱۳۷۶ دادگاه انتظامی قضات به‌عنوان مرجع رسیدگی

منتشر شد

افصلنامه تاریخ مردم

مردم‌نامه

شماره ۲۶ تا ۲۹



فصلنامهٔ تاریخ مردم

شماره ۲۹ و ۲۶ پاییز ۱۴۰۲ تا تابستان ۱۴۰۳

MARDOMNAMEH
A People's History Journal

No. 26 to 29, Fall 2023 To Summer 2024



خارجی‌خوانی

لباس‌های سیاستمداران و نگرش آنها

نیویورک‌تایمز در مقاله‌ای دربارۀ دلایل پرداختن به نحوه پوشش سیاستمداران آمریکا، واکنش نشان داده است. این مقاله در واقع پاسخ به این پرسش است که چرا طی این مدت به گزارش نحوه پوشش سیاستمداران پرداخته است. در این مقاله نوشته شده است: «هم برای مردان و هم برای زنان، لباس می‌تواند ابزار مهمی برای برقراری ارتباط باشد. در بیشتر موارد، اهدافی پشت نحوه انتخاب و سبک پوشش وجود دارد.»

هنگامی که کاملاً هریس برای ریاست‌جمهوری نامزد دموکرات‌ها شد، او تبدیل به اولین زن سیاه‌پوست و اولین فردی با تبار جنوب آسیا شد که توسط یک حزب بزرگ برای سمت ملی نامزد شد. هرچند زن‌بودن و لباس‌هایی که می‌پوشید مورد توجه قرار گرفت و یکی از تحلیلگران نوشت: «وای بر ما!» «پلیس مد ریاست‌جمهوری بازگشته است.» گوینده این جملات، معترض این نحوه توجّه بود. اما «ونسا فریدمن»، نگارنده مقاله نیویورک‌تایمز، نوشت: «واقعیت این است -به عنوان یکی از پلیس‌ها صحبت می‌کنم- آنها هرگز نرفته بودند. شکی نیست که مد به عنوان ابزاری برای حذف زنان، مرتبط ساختن آنها با مسائل بی‌ارزش به‌جای موضوعات جدی و سیاسی، مورد استفاده قرار گرفته است. وقتی یک زن نامزد ریاست‌جمهوری یک حزب بزرگ است و این انتخاب نشانه معناداری از تغییر نسل به نظر می‌رسد، نادیده‌گرفتن لباس او دقیقاً به این دلیل که او یک زن است، نوعی کلیشه‌ای رفتارکردن است. هرگونه بی‌توجهی به این معناست که به او اعتباری را که سزاوار است نمی‌دهیم و نمی‌دهند.»

در ادامه این مقاله آمده است: «استفاده از هر ابزاری برای تأثیرگذاری و شکل‌دادن به عقاید، معمول است. درست همان‌طورکه سیاستمداران مرد برای دهه‌ها از این روش استفاده کرده‌اند. در نظر داشته باشید دلیلی وجود دارد که ما به «صحنه ملی» و «تأثیر سیاست» اشاره می‌کنیم. روزویی و اوضاع‌واحوال همیشه بخشی از زرق‌وبرق حکومت بوده است و لباس جزء ذاتی این نمایش است.» نویسنده مقاله معتقد است که این‌توجه و گزارش، بخشی از مراسم عمومی مشترک است. نشست‌ها، گردهمایی، مراسم تحلیف و مناظرات، بخشی از این مسیر پرزرق‌وبرق سیاست است و درحال‌حاضر بیشتر ما، وقت زیادی جلوی دوربین می‌گذرانیم و براساس تصاویری که می‌بینیم، درباره یکدیگر قضاوت فوری داریم. این غریزه انسانی است و بخشی از روندی است که چگونه تصمیم بگیریم کسی دوست‌داشته‌ی ما باورپذیر یا رهبر است؛ فارغ از هر جنسیتی که دارد. از کلنوپاترا تا کاسترو چنین بوده است.»

نویسنده مقاله با اشاره به تجربه شخصی یکی از دوستانش می‌نویسد: «مدت‌زمانی که صرف راضی‌کردن یک سیاستمدار درباره جزئیات پوشش او کرده، باورکردنی نیست. همان مقدار زمان می‌توانست مثلاً درمورد مذاکرات صلح اختصاص پیدا کند». البته این بدان معنا نیست که این توصیه‌ها، مهم‌تر از روند صلح یا هر پیشنهاد سیاسی دیگری است، اما ظاهر سیاستمداران را نمی‌توان از آنها جدا کرد. در این مقاله به نکته مهمی اشاره شده است: «در نظر گرفتن انتخاب لباس به عنوان بخشی از سیاست، فقط در صورتی جنسیت‌گرایانه خواهد بود که چنین ملاحظاتی درباره لباس‌های سیاستمداران مرد انجام نشود.»

در ادامه مقاله به نکته دیگری هم اشاره می‌شود: این واقعیت است که لباس زنان خیلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد تا کت‌وشلوار مردان! همان‌طورکه طی چند روز گذشته مطالب متعددی درباره پوشش میشل اوباما، جیل بایدن، نانسی پلوسی، ملانیا ترامپ و کامالا هریس منتشر شد. مسلماً امکان بیشتری برای نوشتن در مورد لباس زانه وجود دارد؛ زیرا تنوع بیشتری وجود دارد و از بسیاری جهات، گزینه‌های مد گسترده‌تر برای زنان یک مزیت است، نه مشکل. می‌توان به تجربه هیلاری کلینتون اشاره کرد. او پس از سال‌ها شکایت از توجه افراد به لباس‌هایش، با طنز کمد لباس‌هایش را تبدیل به یک مسئله انسانی کرد و به حامیانش یونیفرمی داد تا به عنوان نشان همسنگی، مانند او لباس بپوشند.

شاهنامه‌خوانی

بهمن در نخجیرگاه رستم



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

بهمن در پاسخ گفت: «پدرم مرا رامش و می‌کساری نفرموده، مردی جویننده راه برگزین تا با من به نخجیرگاه بیاید».

زال از او پرسید نامش چیست و چه خواسته‌ای دارد و افزود می‌پندارد او از خویشان لهراسب باشد و بهمن در پاسخ گفت که بهمن، فرزند اسفندیار و نواده گشتاسب از خاندان لهراسب است.

زال با آگاهی از خاندان او بی‌درنگ از اسب فرود آمده، بهمن را نماز برد و بسیار خواهش کرد نزد او بماند و شایسته نیست این‌گونه شتابان برود. بهمن در پاسخ گفت فرمان اسفندیار را نمی‌تواند کوچک و خوار بگیرد و زال به ناگزیر مردی شیرخون نام را که راه نخجیر نیکو می‌شناخت برگزید و بهمن و پسرانش را به آن سوی رهنمون شد. شیرخون تا نزدیکی نخجیرگاه آنان را راهنمایی کرد و با انگشت، شکارگاه رستم را نشان داده، بازگشت.

در پیشاریی بهمن کوهی نه‌چندان بلند بود. بهمن با همراهانش فراز کوه را در پیش گرفتند. بهمن از آن فراز، بر و بازو و ستبری سینه و بلندای قامت رستم را بدید که تره گوری از درخت آویخته و جامی پر می در دست داشت و آن‌سوتر رخش در آن مرغزار به چرا بود. شکارگاه دشتی سرسبز بود و جویباری روان داشت. بهمن در دل گفت این پهلوان رستم است. همان کسی که نیای او به پدرش فرمان داده کت فروبسته نزد او آوردش. او در شکوه و والایی به آفتاب سپیده‌دمان می‌ماند. در همه گیتی، کسی مردی این‌چنین ندیده و از نامداران نیز سخنی نشنیده است و ترس او از آن است که پدرش، اسفندیار نتواند با او بتابد و سر از کارزار بیچد. بهتر آن است این تخته‌سنگ سترگ را از این فراز به سوی او غلتان گرداند و با این شیوه اندیشه نیای خویش، گشتاسب را آرام سازد، پدر را نیز از شکست و ناکامی برهاند.

زواره، برادر رستم غلتیدن سنگ را بدید، فریاد برآورد سنگی غلتان از کوه سرازیر شده، رستم نه از جای بجنبید و نه از گور دست کشید و چون سنگ نزدیک‌تر شد، با پاشنه یا تخته‌سنگ را از غلتیدن بازداشت و بهمن از آن پنهان جای با شگفتی دید که سنگ بی‌آسپینی از غلتیدن بازماند. دل بهمن از دیدن آن همه پهلوانی غمین گشت.